

تاریخ رقص در ایران

۲

یحیی ذکاء

یکدیگر گذرانیده، دستها را بر روی شانه‌های همدیگر می‌نهادند، بسیار ارزنده است و چگونگی آن در پیکره شماره ۳۳۳ بخوبی نشان داده شده است.

رقص با «سماچه» از تپه یحیی

از نیمه دوم هزاره دوم تا هزاره سوم پیش از میلاد، مهرسنگی استوانه‌یی کوچکی در دست است که از «تپه یحیی» در کرمان پیدا شده و بر روی آن پیکره دو آدمی با سرهایی بشکل پرند و پرهایی که مانند بال بر بازوانشان بسته بوده نشان داده شده است (پیکره شماره ۳۴).

آنچه در این مهر شایان بررسی است، بکار بردن «سماچه» (ماسک) بشکل سر پرندگان است که رقصندگان با نهادن آنها بر سر و روی و بستن پره‌های بلند به بازوانشان می‌خواستند خود را بشکل پرند درآورده، و رقصی با حرکت پرندگان انجام دهند (پیکره شماره ۳۵).

نمونه دیگر از رقص با سماچه از تخت جمشید

خوشبختانه این مهر تنها نمونه از رقص با «سماچه» (ماسک) نیست و تکه سفال کوچکی که با دست هر تفسلد در تخت جمشید پیدا شده، و تاریخ آنرا شاید بتوان نیمه یکم هزاره دوم پیش از میلاد دانست، نمونه دیگری از رقص با «سماچه» را نشان می‌دهد.

بر روی این سفال دوتکه، که پیداست تکه‌های شکسته‌یی از یک ظرف سفالین بزرگی است، نگاره دوتن در حال انجام

رقص تکی بر روی لوحه سنگی از شوش

و از این رده است نگاره برجسته یک لوحه سنگی مربع سوراخ‌داری که از شوش بدست آمده و در موزه لوور نگاهداری می‌شود.

دو نگاره در بالا و پایین این تخته سنگ‌کنده شده، و نگاره بالایی، مجلس بزمی است که دو فرمانروا در سوی راست و چپ بر روی چهارپایه‌هایی نشسته‌اند و دو رقصه در پیش آنان برقص و دلبری مشغولند، فرمانروای سمت راست گویی برای سلامتی و تحسین رقصه‌یی که در برابرش می‌رقصد، جام خود را بلند کرده و آماده نوشیدن است و فرمانروای سمت چپ که از باده سرمست گشته، دست در کمر رقصه انداخته او را باغوش خود کشیده است و می‌گسار بزم نیز زانو زده جام باده را بدست رقصه می‌دهد تا به فرمانروا تقدیم بدارد.

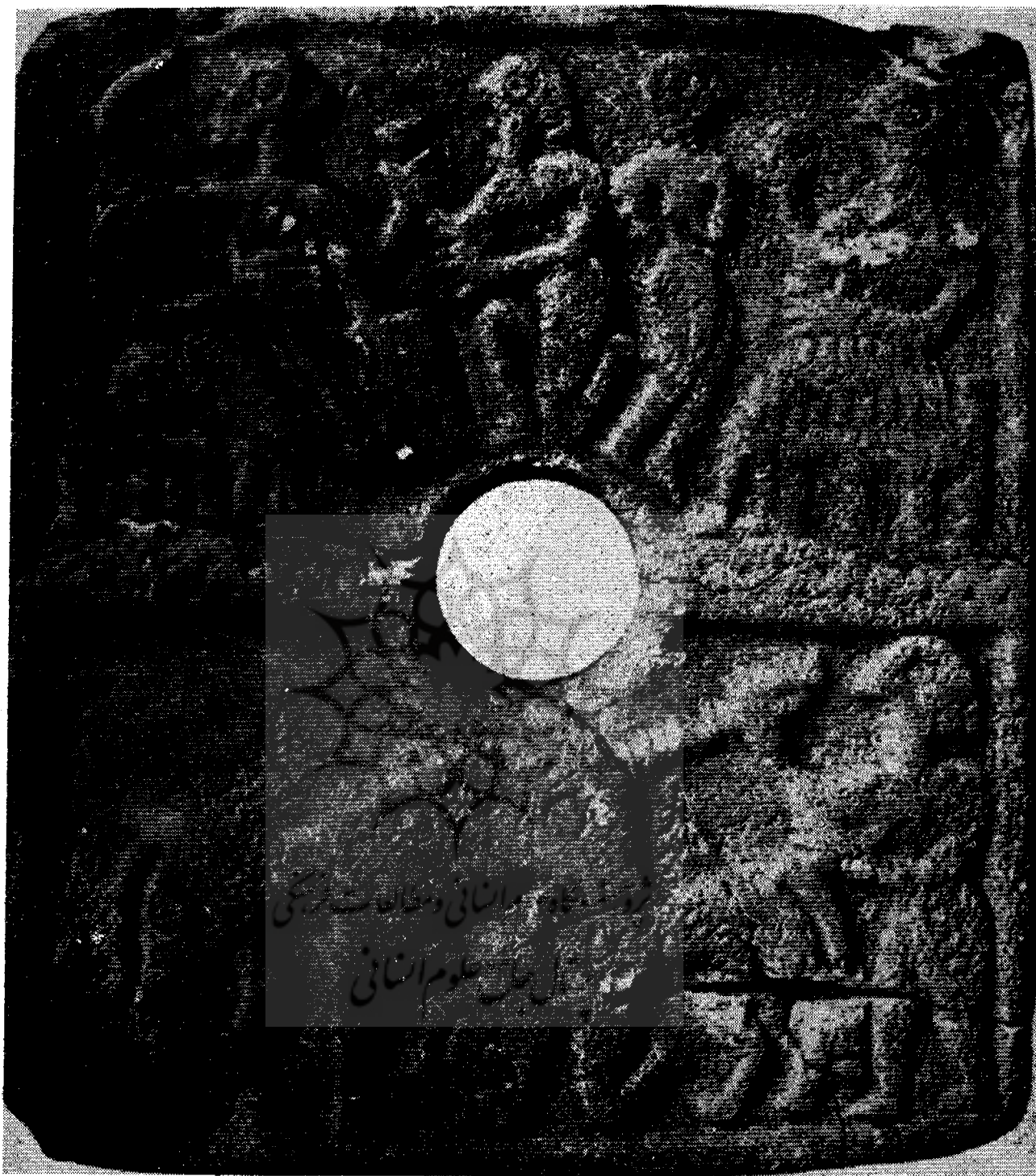
نگاره این لوحه سنگی تراشیده شده با آنکه بعلت ریختگی، اندکی ناروشن است، لیک در هر حال همبستگی رقصه‌های «تکی» را با بزهای فرمانروایان و زورمندان نیک نشان می‌دهد و جدایی میان رقصه‌های شهوانی و تفریحی را با رقصه‌های دسته‌بند مقدس و مذهبی، روشن می‌سازد.

رقص دسته‌بند «کاسوها» از هزاره سوم

از «کاسوها» یا «کاسیها» که در هزاره سوم پیش از میلاد در شمال ایلام در پیرامون کرمانشاهان و دره‌های کوه‌های زاگرس (پیشکوه و پشتکوه) زندگی می‌کرده‌اند، تکه سفالی بدست آمده که بر روی آن نگاره سه رقصنده در نزدیکی چادرها یا کلبه‌های نی‌شان نشان داده شده است (پیکره شماره ۳۲).

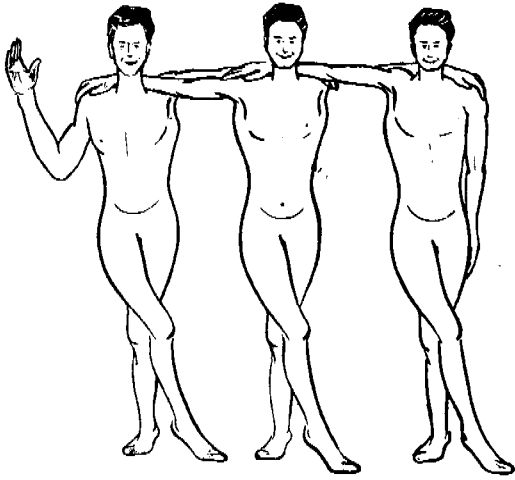
این تکه سفال از دیده‌نمایش گونه دیگری از رقص که در آن رقصندگان هر کدام بازوان خود را از پشت گردن

۳ - سماچه یا سماخچه که در زبان تازی بگونه «سماچه و سماجات» درآمده است و معنی ماسک‌های زشت و ترسناک از آن فهمیده می‌شود، بمعنی قاب بندداری است که هم زنان در زمانهای پیش آنرا بر روی پستانهای خود می‌بستند و هم صورتک چشم و ابروداری بوده که در نمایشها از آن سود می‌جسته‌اند و ما برای نخستین بار آنرا بمعنی دوم (ماسک) در این گفتار بکار می‌بریم.

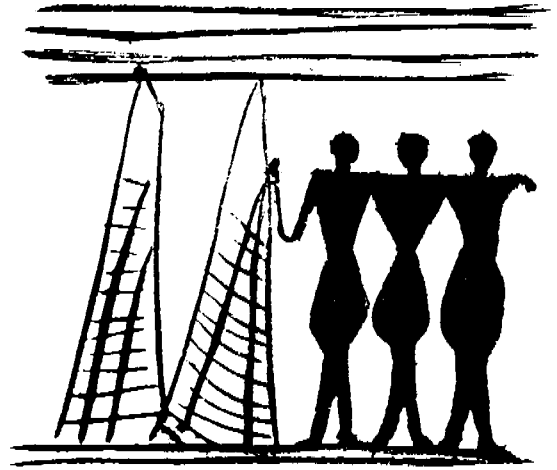


رقص دسته‌بند، نگاشته شده که با گرفتن دستهای یکدیگر،
 شاخه‌هایی را که دارای برگهای متقارن است (همچون شاخه
 درخت عرعر یا برگ خرما) بحالت عمودی در میان دستهای
 خود نگاشته‌اند (پیکره شماره ۳۶). گذشته از آن، با ژرف‌نگری

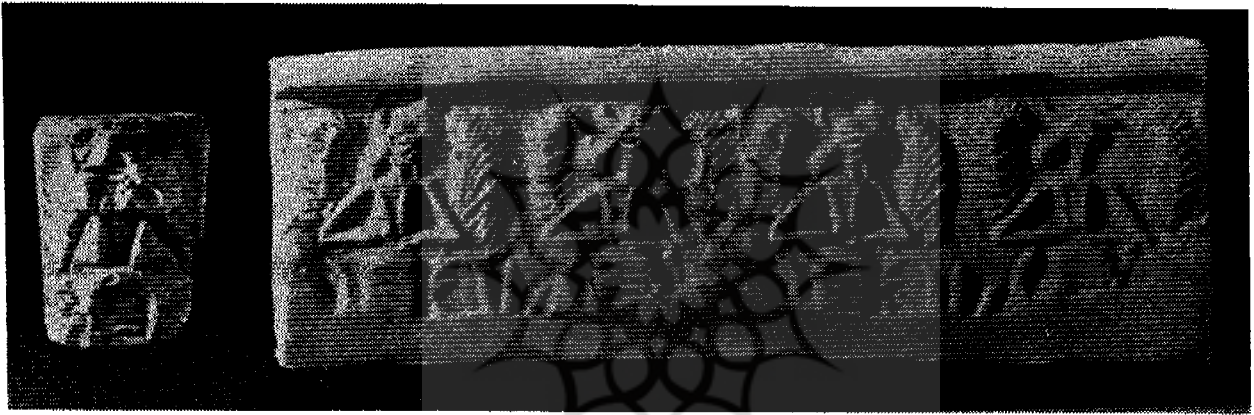
۳۱



۳۳



۳۲



۳۴

۳۵



نیز در پهلوی آنان دیده می‌شود که رابطه رقص با موضوع آن بیان کرده شود و انگیزه و چگونگی اینگونه رقص نیک آشکار گردد، بیگمان دو رقص یاد شده در بالا نیز از اینگونه بوده و رقصندگان از حرکات پرندگان و بزهای کوهی در رقص تقلید می‌کرده‌اند.

رقص سه نفری از تل تیموران

سال ۱۳۳۲ ه. ش. در ارسنجان فارس، هنگام گمانه‌زنیها، از «تل تیموران» ظرفهای گلی نقش و نگاردار از سالهای ۱۴۰۰ تا ۱۲۰۰ پیش از میلاد پیدا شد که از میان آنها، نگاره دوطرف سفالین شکسته، از دیده زمینه این گفتار، شایسته بررسی است.

در دور دهانه و تنه خمره گلی که با خطهای متوازی و نگاره‌های دیگر آرایش یافته است، در لای خطها، جابجا، مجالسی از یک‌گونه رقص سه‌نفری نگاشته شده که از دیده چگونگی قرار گرفتن دستها و بازوان درست مانند رقص «کاسو» هاست (پیکره شماره ۳۹).

برتری که نگاره این سفالینه بر نگاره‌های دیگر دارد، در اینست که در اینجا برخلاف رقصهای دسته‌بند دیگر - که در تشکیل حلقه یا رده‌های آنها، گروه فراوانی هنبازی می‌داشته‌اند - تنها سه تن بازو در بازو افکنده در یک‌رده سه‌تایی برقص و پایکوبی برخاسته‌اند و این گذشته از اینکه از خود نگاره پیداست، از چگونگی دست و بازوی دو تن رقصنده که در این سر و آنسر رده رقص قرار دارند، روشن می‌شود، زیرا شکستن بازوها از آرنج و بالا نگاه داشتن دستها در دوسو، نشانه تکمیل رده رقص می‌باشد.

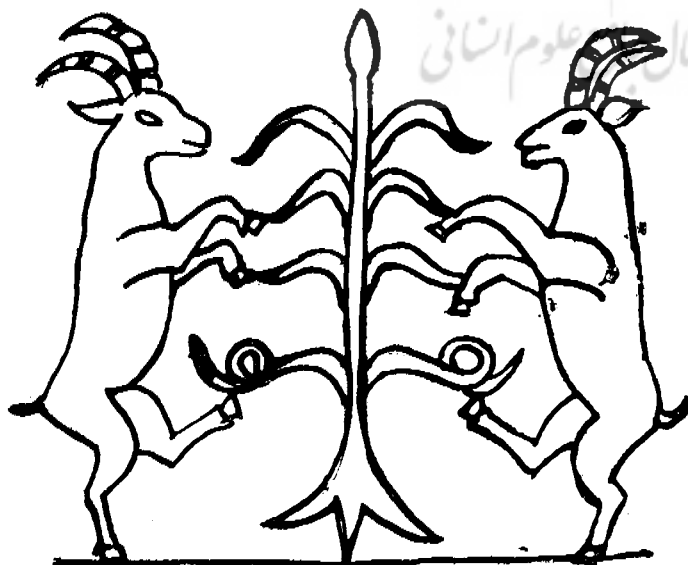
در پیکره‌های این سفالینه، دیده می‌شود که رقصندگان «سماچه» هایی به رووسر خود نهاده‌اند که گمان می‌رود کله بز کوهی (پازن) را باشاخها و گوشهایشان نشان می‌دهد.

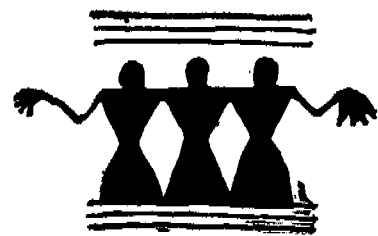
رقص با «سماچه» بز کوهی و در دست گرفتن شاخه‌های سبز درختی که دارای شاخه‌های متقارن است، ما را بیاد یک موضوع مذهبی و اساطیری از این‌روزگاران می‌اندازد که بارها و بارها بر روی ظرفها و آثار دیگر نگاشته شده است، و آن نگاره دو بز کوهی (نماد خدای کوهستانها) بحال نیم‌خیز در دوسوی «درخت زندگی» است که دارای شاخه‌های متقارن است و این نگاره یکی از موضوعهای بسیار متداول آن زمانهاست و یک عقیده مذهبی و همگانی مردم آسیای غربی را نشان می‌دهد.

از نگاره این تکه سفال چنین می‌توان پنداشت که اجرا کنندگان این رقص دسته‌بند مذهبی در مردودت تخت‌جمشید، هنگام بهار و سرسبزی درختان و گیاهان می‌خواستند همان داستان بز کوهی و درخت زندگی را تجسم بخشیده و جشن و شادمانی خود را با این رقص مذهبی رونقی دهند.

بهرسان موضوع رقص نگاشته شده بر روی این تکه سفال هرچه باشد، از دیده نشان دادن پیشینه کاربرد «سماچه» (ماسک) در ایراتزمین و در رقصهای مذهبی و جشنهای قبیله‌یی بسیار پرارزش و شایان دقت است.

برای باریک‌بینی در شناخت این‌گونه رقصها و دریافت همبستگی آنها با حرکتهای پرندگان و جانوران، نگاره سفالینه‌یی را از «هاراپا» در اینجا می‌آوریم (پیکره شماره ۳۸) که در آن نیز رقصندگان سماچه گوزن شاختاری را بر روی چهره و سر خود نهاده‌اند و پیکره گوزن بزرگی





۲۸

مفرغ مشکی بدست آمده که اینک در مجموعه پروفیسور زاره درموزه لوور نگهداری می‌شود. در درون حلقه این سر پرچم، رقص دست بدست چهارتن با شیوهی استادانه و زیبا و ترکیبی نو، نشان داده شده است. باز در پایه همان سر پرچم که جای گذرانیدن چوب یا میله پرچم بوده، تندیس دو آدمی در حال رقص دست بدست نمایش داده شده است (پیکره شماره ۴۱ و ۴۲).

خوشبختانه در این نمونه مفرغی، حرکت پاها و دستها را در حال رقص، بخوبی می‌توان دریافت و پیداست که هر يك از رقصندگان، یکی از پاهای خود را از زمین بلند کرده پس از خم کردن در پشت سر، سپس در جای دیگر بزمین می‌نهد و همین کار را با پای دیگر انجام می‌دهد تا رفته رفته، حلقه رقص بدور خود چرخیده و جای رقصندگان عوض می‌شده است.

این سر پرچم از دیده نمایش اینگونه رقص و از دیده دیگر، یکی از مدارك بسیار پرارزش درباره رقص در ایراتزمین است و ما از آن درمی‌یابیم، که در میان مردمان روزگاران باستان، رقص تا چه اندازه ارج و بها داشته است که آنرا همچون نشانه‌ی بزرگ در سر پرچم‌های خود بنمایش می‌نهادند.

رقص خدایان در آسمان

مردم روزگاران پیش از تاریخ - همان سان که خودشان در روی زمین به پایکوبی و دست‌افشانی برمی‌خاستند چنین

رقصی دیگر از تل تیموران

همانند و همزمان نگاره این ظرف است، نگاره ظرف دیگری از همانجا، که در دوجا در لبه بیرونی آن، پیکره رقص دوتن باهمین شیوه نگاشته شده، لیک در این یکی، چون سر رقصندگان با خطهای متوازی دور ظرف تلاقی کرده، نگارگر از نگاشتن سرها خودداری کرده با ساده کردن آن، جنبه آرایشی مطلق به نگاره داده است آنچنانکه اگر دستها نگاشته نشده بود در نخستین نگاه نمی‌توانستیم دریابیم که آن سه گوشه‌های شطرنجی پیکر آدمی را نشان می‌دهد (پیکره شماره ۴۰).

از بررسی نگاره‌های این دو ظرف از «تل تیموران» فارس، چنین بدست می‌آید که گذشته از رقصهای «دسته‌بند» و «تکی» که پیش از این یاد آنها کردیم، گونه‌های دیگری از رقص در ایراتزمین بوده است که در آن رقصندگان دو بدو، سه‌سه، بازو در بازو یا دست در دست هم انداخته، به پایکوبی برمی‌خاسته‌اند، و نیز بگواهی نگاره‌های این سفالینه‌ها، شماره رده‌های سه‌تایی و دوتایی در يك مجلس رقص، بیش از یکی دوتا بوده است و در این رقصها اگرچه از نگاره‌ها چیزی فهمیده نمی‌شود - شاید در هر رده سه‌تایی: يك مرد و دوزن یا دومرد و یكزن، و در رقصهای دوتایی: يك مرد و يك زن یادو مرد یادو زن باهم می‌رقصیده‌اند.

نمایش رقص در سر پرچم

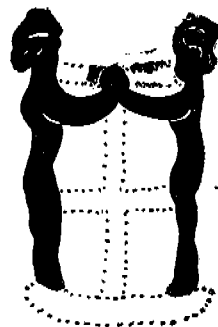
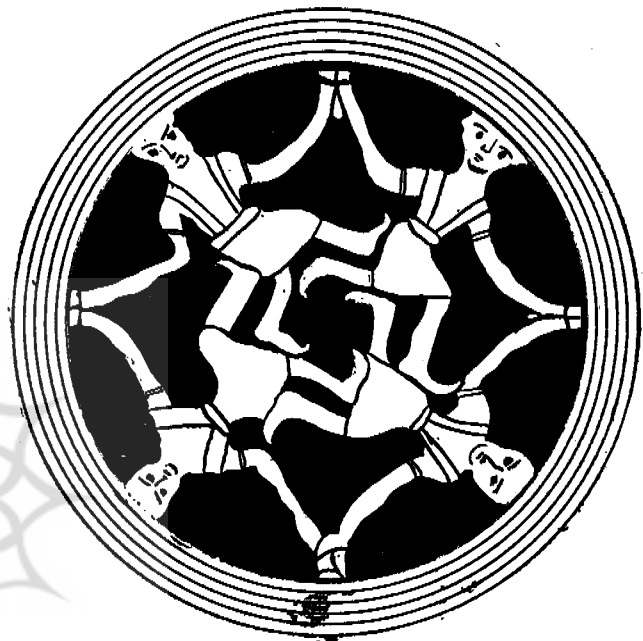
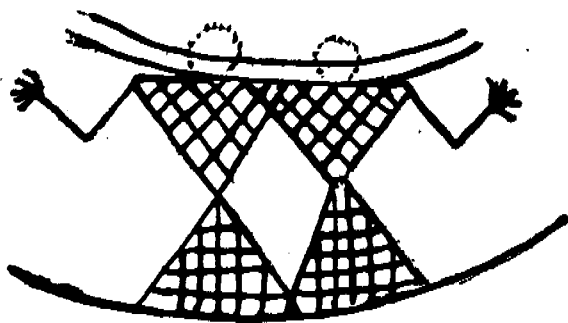
در لرستان از هزاره یکم پیش از میلاد، سر پرچم

می‌پنداشتند که خدایانشان نیز در آسمان یا در زیر زمین ،
برقص برمی‌خیزند.

برخی از مردمان روزگار باستان، چنین باور داشتند که
اصولا رقصیدن از کارهای خدایان است و این آدمی است
که به تقلید از آنان، در روی زمین، جنبش‌ها و جست و
خیزهای آنان را تکرار می‌کند و این پندار را سر پرچم یا
سنجاق مفرغی دیگری از لرستان که زمانش به سده هفتم
پیش از میلاد می‌رسد، و در مجموعه ج . ل . وینتروپ
نگاهداری می‌شود، برای معاباز گویی می‌کند (بیکره شماره ۴۳).

در این سر پرچم مفرغی مشبك، تندیس سه خدایا
رب النوع شاخدار نشان داده شده که خدای میانین که پایگاهش
از دوتای دیگر والا ترست پا بر روی قرص خورشید و دوتای
دیگر پا بر پشت دوشیر غران نهاده، دست در دست هم مشغول
رقصند، توگویی، بکاربرندگان این سر پرچم، از این راه
خواسته‌اند چرخش و گردش خورشید را در آسمان از
خرآیان به‌خاوران (از شرق به غرب) همچون رقصی موزون
و سنجیده بیان کرده، نمایش بدهند، بهرسان این سر پرچم
نیز از دیدگاه نمایش جنبه‌های خدایی و مذهبی رقص، در
میان مردم ایران زمین، شایان توجه و بررسی بیشتریست .

اینست نمونه‌هایی از رقص در ایران پیش از تاریخ که
نویسنده با بررسی‌های فراوان از روی آثار گوناگونی که
در این سرزمین پهناور بدست آمده است، گرد آورده و
درباره آنها به پژوهش پرداخته است، لیک از این تاریخ تا
دوره شاهنشاهی مادها و هخامنشیان، با اینکه بی‌گمانیم رقص
در میان مردم ایران رواج داشته است، افسوس، نمونه و اثری
که روشنگر این داستان باشد، بدست نیامده یا نویسنده آنرا
ندیده است و باین همه این نمونه‌های اندك، از دیده روشن
ساختن پیشینه و چگونگی رقص در ایران، بسیار گرانبها
و پراچ است و امید هست که در کاوشهای آینده، نمونه‌ها
و نگاره‌ها و تندیس‌هایی بدست آید که بررسی این رشته از
هنر ایرانرا بر پژوهندگان و خواستاران این زمینه‌ها آسان
گرداند و تاریخ آنرا روشن‌تر و کاملتر سازد.



۴۳

